حرف های دلتنگی پدر و همسر شهید مدافع حرم مصطفی عارفی در دومین سالگرد عروج

که چه ماه شده‌ای؟

مهین رمضانی– زینب خانم همسر شهید مصطفی عارفی با روی باز در منزلشان پذیرای ما می شود. امیرعلی فرزند کوچک مصطفی در حیاط بازی می کند ومحمدطاها فرزند بزرگ تر به مدرسه رفته است. زینب خانم روبه رویم می نشیند تا از مصطفی بگوید. آقا مصطفی عارفی دی ماه ۵۹ متولد شده است. او تنها پسر خانواده شش نفره عارفی است که پنجم اردیبهشت ماه ۹۵ در سالروز شهادت حضرت زینب (س) در منطقه «تدمر» به شهادت می رسد. زینب آخرین دختر خانواده است. در ۱۶ سالگی، مصطفی را برای همسری انتخاب می کند و چه زیبا مصطفی برای او یک همسر شایسته می شود، آن قدر برای زینب دلبری می کند که بانو نمی تواند به تصمیم شوهرش برای رفتن پاسخ منفی دهد. همه دلشوره ها، همه تودل خالی کردن اطرافیان را به جان خریدار است تا مصطفی با خیال آسوده لباس رزم بپوشد. مدتی برای آموزش می رود و زمانی هم که بازمی گردد، از ۵ صبح خانه را ترک می کند و مدام کار می کند تا پس اندازی فراهم کند، هم برای خانواده و هم خرج سفر. مصطفی در اولین سفرش به عراق از امام حسین(ع) می خواهد که زیارت روزی همیشگی او و خانواده اش باشد. زینب آن قدر از خانواده دوستی مصطفی تعریف می کند، آن قدر از خاطرات شیرین همراهی با او می گوید که غصه دارش می شوم. او چگونه روزهایش را سپری کند؟

■ **به مصطفی خیلی وابسته بودم**

او از ۱۶ سالگی یک زندگی ساده اما پر از مهر را در کنار مصطفی تجربه کرده

پدر و همسر شهید عارفی- عکس: دهقانی

وبسیار وابسته و دلبسته اش شده است. خودش می گوید: «من به مصطفی خیلی وابسته بودم. همه جا با هم می رفتیم، طوری که دوستان می گفتند ما آرزو به دل ماندیم که یکی از شما را تنها ببینیم.» راست هم می گفت؛ همه جا در کنار مصطفی بود و دلگرمی مصطفی. زینب اطمینان صد در صدی داشت که آقا مصطفی از روی احساسات تصمیم نمی گیرد. مصطفی از سال ۹۱ به عراق سفر می کرد، از پیاده روی عاشورا تا مراوده و نزدیکی با نیروهای نظامی عراقی. می خواست اطلاعات کافی به دست بیاورد. او با توانایی های فردی و آموزش و تحقیق، آمادگی های لازم را کسب کرده بود. در همان روزها برای اعزام ثبت نام کرد و قول گرفت که هر زمان به وجودش نیاز شد، نیروهای عراقی به او اطلاع دهند. بارها و بارها تا نیمه شب با زینب صحبت کرده بود؛ بررسی وضعیت منطقه، حمایت از حرم ائمه و حمایت از رهبری را یادآوری کرده بود. زینب با همه این موضوعات آشنا بود، اما باز هم نبودن مصطفی در کنارش او را نگران می کرد؛ آشوب درون و تردید، اما به روی مصطفی نمی آورد. او شب حضرت آقا را به خواب می بیند که به منزلشان تشریف آورده اند. مطمئن می شود، راهی را که انتخاب کرده اند درست است. بعد از آن از امام رضا (ع) می خواهد به او کمک کند تا آرام بگیرد، می خواهد دلش قرص شود، خودش می گوید: «هنگام خروج از باب الرضا آن قدر آرام بودم که به مصطفی گفتم: همین حالا هم می توانی بروی، من راضی ام.»

دستخط رهبر انقلاب در قرآن اهدایی به خانواده شهید

■ **دلتنگی ناگفته مادر**

قرار بود پدر و مادر آقا مصطفی هم به جمع ما بپیوندند تا گفت و گو را ادامه دهیم. مادر بعد از احوالپرسی و خوشامد گویی، می رود. کنجکاوی من از نماندن مادر برای مصاحبه پاسخی ندارد. پدر شهید نگاهش را به زمین دوخته و از پاسخ طفره می رود.

-«چرا مادر شهید نمی آیند؟»

-«حاج آقا، احوال حاج خانم چه طور است؟»

زینب خانم سوال من را پاسخ می دهد:

«مادر و مصطفی خیلی به هم وابسته بودند. مصطفی به پدر و مادر خیلی احترام می گذاشت. از سفر که می آمد اول به مادر سر می زد و بعد به منزل می آمد. حاج خانم بعد از آقا مصطفی خیلی شکسته شدند.»

مادر برای مصطفی خیلی دعا می کند و مصطفی همیشه تاکید داشت رضایت مادر را داشته باشد. شهید ما هم رفتاری مانند شهید حججی داشت. این ها تنها توضیح حاج آقاست.

دوست داشتم از مادر بپرسم چه قدر مصطفی را دوست داشتی؟ از لالایی هایش برای مصطفی سوال می کردم اما مطمئن نبودم که تحمل دیدن اشک هایش را دارم یا نه؟

■ **او برگزیده بود**

حاج آقا تمایل دارد از وضعیت محل شهادت مصطفی و علقه هایش به امام(ره) و رهبری بگوید.

-«مصطفی برای من یک مشاور دلسوز بود، او از همان اول به شغل آزاد علاقه داشت. می گفت ممکن است لباسی که دیگران به تنم می کنند اندازه من نباشد و مجبور شوند مراقبچی کنند. این کارها با روحیه من سازگار نیست.»

«او برای یک مشکل راه حل های زیادی ارائه می داد. در هر کاری سررشته داشت و با دلسوزی سنگ تمام می گذاشت. دوستان به او آچار فرانسه می گفتند. همه کارهای فنی منزل را خودش انجام می داد.»

«او بازوی قوی مشاوره و همکار من بود که از دست دادم. البته دوستان سعی می کنند که ما سختی کمتری را تحمل کنیم اما هیچ کدام مصطفای ما نمی شوند؛ او برگزیده بود. زمانی اسم او را مصطفی گذاشتم که فرزند امام(ره) به شهادت رسیده بود و من به این نیت نام فرزندم را مصطفی گذاشتم. دلم می خواست برگزیده باشد و همین طور هم شد.» در هر کاری تحقیق می کرد و با برنامه تصمیم می گرفت. به او می گفتم: «ما هم جنگ را دیده ایم. شما باید بیشتر مراقب خودت باشی.» می گفت: «تا جایی که بتوانم با عقل پیش می روم اما جایی که چاره نباشد به امام حسین(ع) اقتدا می کنم و با عشق کار را تمام می کنم.»

■ **نارنجک به سمت مصطفی پرتاب شد**

تدمر منطقه ای با آثار باستانی است. دغدغه مصطفی در آن جا امامزاده ای بود که تخریب شده است. مصطفی و نیروهایش منطقه را شناسایی می کنند تا بعد از آزادسازی برای مرمت امامزاده اقدام کنند. شبانه که به منطقه پالمیرا (تدمر) می روند، آتش سنگینی بر سرشان فرود می آید و جنگ تن به تن روی می دهد. یک نیروی داعش نارنجکی را به سمت مصطفی پرتاب می کند. او در حالی که نیروها را به عقب راهنمایی می کند، نارنجک را برمی دارد که به سمت دشمن برگرداند اما فرصت از دست رفته است و نارنجک در دست اش منفجر می شود و از شدت خونریزی به شهادت می رسد. پیکر فرمانده گروهان امام رضا(ع) بعد از ۳۰ ساعت توسط شهید حریری به عقب منتقل می شود.

■ **زندگی مصطفایی**

آقا مصطفی در هر شرایطی امر به معروف را فراموش نمی کرد و با زبان و عمل همه را به خیر دعوت می کرد. به گفته پدر حق الناس برایش اهمیت زیادی داشت، آزارش به کسی نمی رسید. مراعات طبقه محروم را می کرد، از دست فروش ها خرید می کرد. معتقد بود که این افراد تکدی گری نمی کنند باید به آن ها احترام گذاشت. میوه های کمی خراب را از میوه فروشی دورتر می خرید تا فروشنده متضرر نشود، می گفت او هم پول داده است. از مغازه هایی که خیلی مشتری نداشت خرید می کرد و...

خانم عارفی می گوید: «بچه های فامیل و اطرافیان را در ماه محرم به مسجد می برد و بعد از نیم ساعت به خیمه و بعد به هیئت. بچه ها را به جاهای مختلف می برد تا خسته و دلزده نشوند. ماه رمضان تیم والیبال تشکیل داده بود و بچه ها را به وکیل آباد می برد و تا سحر آن ها را مشغول نگه می داشت. ماشین اش را از بچه های فامیل پر می کرد و با خودش می برد. برای نوجوان ها خیلی وقت می گذاشت. در هر مجلسی بچه ها دور و برش جمع می شدند. سبک زندگی اش با هم سن و سال هایش متفاوت بود.» همسر شهید: «قرار بود یکی از دختران فامیل من به دلیل ضعف در سال اول روزه داری، روزه نگیرد، زیرا خانواده به او اجازه روزه گرفتن نمی داد. آقا مصطفی از این قضیه خبردار شد، او را از شهرستان به منزلمان آورد و تمام ۳۰ روز ماه رمضان خودش مراقب خوراک و استراحت او بود تا کامل روزه اش را بگیرد.»

در امر به معروف هم شیوه خودش را داشت. توضیح می داد، منابع اطلاعاتی را در اختیار فرد می گذاشت و حرفش را می شنید و به دنبال راه حل ها بود اما بر حرف خودش اصرار نمی کرد، طوری که اطرافیان بعد از ساعت ها گفت و گو، می گفتند تنها خنده آقا مصطفی برای ما کافی است. با همه افراد فامیل رفت و آمد داشت و با دوستی و رفاقت به آن ها کمک می کرد.

پدر می گوید: «هر جا که حرف زیادی برای گفتن داشت، بیشتر عمل می کرد و ما متوجه می شدیم که دغدغه او چیست.»

چند دقیقه قبل اذان را پخش کرده اند و پدر نشسته است و به حرف های عروسش گوش می دهد. با وجود اصرار زیاد برای ناهار، مجبوریم از خانواده عارفی خداحافظی کنیم.

زینب در پیام هایش به آقا مصطفی از همسرش تعریف می کند؛

-«که چه ماه شده ای؟»

و مصطفی می گوید: «این جوری نبین، زیر آفتاب سوزان زغال شده ام.»

بزرگداشت دومین سالگرد شهید «عارفی» در مشهد

مراسم گرامی داشت شهید مدافع حرم «مصطفی عارفی»، شامگاه پنج شنبه ۶ اردیبهشت در مشهد برگزار می شود. به گزارش خراسان، به مناسبت فرا رسیدن دومین سالگرد شهادت رزمنده مدافع حرم «مصطفی عارفی» فرمانده گروهان امام رضا(ع) لشکر فاطمیون، مراسم یادبودی شامگاه پنج شنبه ۶ اردیبهشت ساعت ۲۰:۳۰ در مسجد «حجت بن الحسن(ع)» واقع در مشهد، بولوار پیروزی، میدان شهید مهدوی، مقابل دلاوران ۴۳ برگزار خواهد شد. این مراسم با حضور خانواده معظم شهدای مدافع حرم همراه با سخنرانی حجت الاسلام «محمد پرویزی» و مداحی برادران «احمدواعظی» و «سیدرضا علی زاده» برگزار می شود.

گفتند شهید درجه ۳ است پژوهش نمی خواهد!

■ **۱۷ سال قبل، دوران خدمت سربازی**

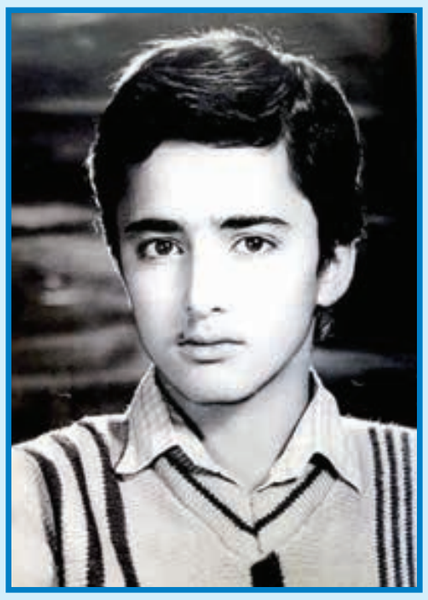

۱۷ سال قبل، در مرکز جمع آوری آثار شهدا، لابه لای پرونده ها و عکس های شهیدان نگاهم به نگاه معصومانه شهید سیدحمیدرضا نجفی گره خورد. انگار دلم تکانی خورد؛ نمی دانم چرا. عکس را برداشتم و مدت ها همراهم بود. عاشق اش شده بودم. همه حرف ها و درددل هایم در هیئت و جلسه دعا و حرم، شده بود با سید حمید. لحظه ای از جلوی چشم ام نمی رفت... به فکر افتادم تا خانواده اش را پیدا کنم و درباره او بیشتر بدانم. توی پرونده اش یک عکس بود و یک نامه که برای پدر و مادرش نوشته بود... مسئول مربوط در مرکز گفت چون این شهید درجه سه است. پژوهش نمی خواهد!

مدت ها گذشت. من عاشق سید حمید شده بودم؛ آن طور که توصیف اش سخت است...

■ **سال ها بعد، ظهر تابستان، اول خیابان سنایی**

فقط یک مغازه باز بود. سر درش از آن تابلوهای تبلیغاتی قدیمی کوکاکولا بود که زیرش نوشته بود خواروبار فروشی... از همان جلوی در مغازه، بوی خاص بقّالی های قدیمی خورد توی صورتم، سرم توی کیف ام بود تا پول خرد پیدا کنم.

کنار یخچال، پشت پاچال، پیرمرد نحیفی نشسته بود. جواب سلامم را داد. گفتم با باجان، «یک آب معدنی کوچیک می خوام»، لحظه ای کوتاه گذشت، با صدای آهسته ای گفت بفرمایید.

هنوز پول خرد را پیدا نکرده بود. سرم را بالا آوردم. چهره پیرمرد برایم آشنا بود، کلاه پوستین سیاه گذاشته بود. اما چشم هایش برایم خیلی آشنا می آمد. پشت سرش قاب عکسی روی دیوار نصب شده بود، بالای بالا، نزدیک سقف. این دومین نوبت بود که شبیه بار اول نگاهم به نگاه سید حمید گره خورد. دلم دوباره تکانی خورد، دست و پایم را گم کرده بودم. گفتم شما پدر سید حمید هستید؟ متعجب و مهربان گفت بله.

نمی دانستم باید چه می گفتم... مات و مبهوت مانده بودم. دوباره نگاهم به عکس خیره شد، آن عشق گویی دوباره در من زنده شده بود. پول را دادم و از مغازه بیرون آمدم...

انگار خیلی خوشحال بودم که سید حمید دست از سرم برنمی دارد شاید هم بغضی گلویم را می فشرد که پس از چند سال نشانی از سید حمید یافته بودم. هنوز پس از ۲۰ سال استخوان هایش را هم برای پدر نیاورده اند... از آن زمان هروقت از خیابان سنایی می گذشتم نگاهم که به آن خواروبار فروشی می افتاد از خودم خجالت می کشیدم که حتی به بهانه خرید به آن جا وارد شوم... حس غریبانه چشم های منتظر پدر سید حمید هنوز در خاطرم هست.

■ **چند سال بعد از آن...**

چند سال بعد، یکی از دوستانم را در حرم دیدم. قصه عشق ام به سید حمید و ماجرای آن خواروبار فروشی را برایش تعریف کرده بودم.

گفت چه خبر داری از آن مغازه؟ گفتم هیچی. خبر خوبی نبود. گفت: پدر شهید چند وقتی هست که از دنیا رفته است...

■ **و مدتی بعد**

و مدتی بعد همان رفیق خبرم داد که، مژده بده، پیکر شهید سید حمید نجفی در تفحص پیدا شده است. تکه استخوان هایش را در معراج شهدا دیدم. پلاکش را دیدم...

یاد آن روز افتادم که پدر شهید را در مغازه اش دیدم، ای کاش می بود...

پی نوشت:

شهید سید حمیدرضا نجفی در سال ۱۳۴۶ در مشهد به دنیا آمد. او تربیت یافته دامان پر مهر پدر و مادری مومن و مذهبی بود.

از نوجوانی در مغازه خواروبار فروشی پدرش شاگردی می کرد. تازه به مدرسه راهنمایی رفته بود که قیام و انقلاب مردم علیه رژیم پهلوی شکل تازه ای به خود گرفت. حمیدرضا همراه پدر در تظاهرات شرکت می کرد و حضورش در مسجد و محافل قرآن بیشتر شده بود.

بسیار فعال و پر جنب و جوش بود و همه او را به چهره خندان و مهربانش می شناختند. پس از پیروزی انقلاب، با شروع جنگ تحمیلی و پاگرفتن بسیج، برای حضور در جبهه آرام و قرار نداشت. پس از ثبت نام در بسیج و گذراندن دو دوره آموزش نظامی به جبهه اعزام شد و در عملیات والفجر مقدماتی شرکت کرد. پس از آن به خانه بازگشت، با خانواده دیداری تازه کرد و قبل از عملیات والفجر یک، دوباره خود را به صفوف مقدم نبرد رساند و در آن عملیات در حالی که فقط ۱۶ سال بیشتر نداشت در منطقه شرهانی آسمانی شد. پیکر پاکش ۲۰ سال پس از شهادتش به میهن بازگشت تا دست های مهربان مادر استخوان هایش را در آغوش گیرد و پدر در شادی و صالش اشک بریزد اما کمی دیر شده بود...

محمد لطفی

شماره بایگانی شعبه : ۹۶۰۴۵۳ -آقای علیرضا حسین زاده کاغذی پیرو آگهی های قبلی درخصوص دعوی آقای سیدمحمود فاطمی ابرده ای مبنی بر شرقیت شما بدینوسیله ابلاغ می شود که پرونده کلاسه ۹۶۰۴۵۳ منجر به صدور اجرائیه کلاسه ۹۶۰۶۶۴ - مبلغ هشتصد و شصت و پنج هزار ریال بابت هزینه دادرسی در خواسته - مبلغ سیصد و پنج هزار ریال بابت حق الوکاله وکیل برابر تعرفه قانونی در حق خواهان و پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست ۹۶/۱۵/۲۵ تا یوم الادا بر مبنای نرخ تورم شاخص بانک مرکزی قابل محاسبه در اجرای احکام در حق خواهان و نیم عشر دولتی در حق دولت گردیده است لذا مراتب وفق مواد ۱۹-۱۱۸-۱۱۹ قانون اجرای احکام مدنی یک نوبت در روزنامه محلی درج می گردد. این اجرائیه ده روز پس از انتشار بموقع اجراء گذارده خواهد شد و پس از این برای عملیات اجرائی ابلاغ یا اخطار دیگری به شما نخواهد شد مگر اینکه محل اقامت خود را کتبا به قسمت اجراء اعلام نمایید. م الف ۳۸۱۶- مسئول دفتر شعبه ۱۸۹ شوراهای حل اختلاف مشهد
۹۷۰۱۷۷۶۰/م

شماره بایگانی شعبه : ۹۷۰۱۲۴
خواهان رونوشت حصر وراثت اکرم السادات اقلیمی زاده فرزند سیدمحمد به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۷۰۹۹۸۷۵۱۴۲۰۰۱۲۳ شادروان صدیقه میرزاده در اظهارنامه دائمی خود بدرود حیات گفته و ورثه حین الفوت آن منحصر است به: ۱- اکرم السادات ۲- لیلا سادات ۳- بی بی اعظم ۴- سیدجعفر ۵- سیدرضا ۶- فرح سادات همگی اقلیمی زاده (فرزند) اینک بالتجام تشریفات مقدماتی در خواست مزبور یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه ای از متوفی نزد او می باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به این دادگاه تقدیم بدارد والا گواهی صادر خواهد شد. مستدل دفتر شورای حل اختلاف شعبه ۳۱۲ شورای حل اختلاف مجتمع شماره شش شهرستان مشهد- سمیه محمدی مقدم کماچوخور
مشهد- بلوار وکیل آباد- بلوار کوثر- کوثر ۱۵
۹۷۰۱۸۲۱۹/م

شماره بایگانی شعبه : ۹۶۱۰۴۳
آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای / خانم صغری دائی صراف فرزند حسن
خواهان آقای جواد حمیدی دادخواستی به طرفیت خوانده صغری دائی صراف فرزند حسن به خواسته مطالبه وجه چک به میزان ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۱۰۴۳ شعبه ۱۸ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی امام خمینی شهرستان مشهد ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۷ ساعت ۰۹:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خوانده و در خواست خواهان مراتب یک نوبت آگهی می گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد. م الف ۴۱۴۷

شماره بایگانی شعبه : ۹۷۰۰۴۵
آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم
خواهان / شاکی: موقوفه عباسقلی خان به تولیت مرتضی سپهری شاملو خوانده / متهم: طیبه حسن زاده برادران - احمدآقا حسن زاده برادران - علی ضیاء عیسی بیگی - طاهره حسن زاده برادران خواسته / اتهام: مطالبه وجه بابت ... - تایید فسخ قرارداد (غیرمالی) - تخلیه مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۷۰۰۴۵ شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی امام خمینی شهرستان مشهد (۵۶ حقوقی سابق) ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۱۰ ساعت ۰۹:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد. م الف ۴۱۴۵- منشی شعبه ۶ دادگاه خانواده مجتمع قضایی شهید مطهری شهرستان مشهد (۴۶ خانواده سابق)- محمدرضا کاوه نژاد - مشهد- بلوار شفا- شفای ۳۰
۹۷۰۱۸۳۰۸/م

شماره بایگانی شعبه : ۹۷۰۰۴۲
آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم
خواهان / شاکی: موقوفه عباسقلی خان به تولیت مرتضی سپهری شاملو خوانده / متهم: ابوالفضل اشد ترابی - سکینه پیله چیان - ملیحه اشد ترابی - مجید اشد ترابی - حمید اشد ترابی - مهین اشد ترابی - علی اشد ترابی خواسته / اتهام: تخلیه - تایید فسخ قرارداد (غیرمالی) - الزام به تنظیم سند رسمی ملک - مطالبه خسارت دادرسی مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۷۰۰۴۲ شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی امام خمینی شهرستان مشهد (۵۶ حقوقی سابق) ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۰ ساعت ۰۹:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد. م الف ۴۱۵۲- منشی دادگاه حقوقی شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضائی امام خمینی شهرستان مشهد (۵۶ حقوقی سابق)- معصلقی ادیبی
۹۷۰۱۸۳۶۴/م

شماره بایگانی شعبه : ۹۷۰۰۳۰
آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای / خانم حسین نظری فرزند جمعلی
خواهان آقای / خانم آمنه رضایی دادخواستی به طرفیت خوانده آقای حسین نظری به خواسته طلاق مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۵۱۱۹۱۰۰۰۳۰ به ۶ دادگاه خانواده مجتمع قضایی شهید مطهری شهرستان مشهد (۴۶ خانواده سابق) ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۱۹ ساعت ۰۹:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.
م الف ۴۱۴۵- منشی شعبه ۶ دادگاه خانواده مجتمع قضایی شهید مطهری شهرستان مشهد (۴۶ خانواده سابق)- محمدرضا کاوه نژاد - مشهد- بلوار شفا- شفای ۳۰
۹۷۰۱۸۳۰۸/م

آگهی مزایده اموال منقول و غیرمنقول –به موجب پرونده کلاسه اجرائی صادره از شعبه ۳۵ دادگاه عمومی حقوقی مشهد به شماره بایگانی اجرای احکام ۱۱۰۶/۹۶۰۹۸۳ آقای کامران اکبرپور محکوم است به پرداخت مبلغ ۳۱۱/۳۹۱/۰۹۷ ریال در حق خانم نسرین تقوی ایکوه و نیز مبلغ ۱۳/۲۷۵/۰۰۰ ریال نیم عشر دولتی و همچنین محکوم علیه محکوم است به پرداخت مبلغ ۳۹۵/۰۱۶/۰۰۰ ریال در حق محکوم له بابت کلاسه پرونده اجرائی ۱۱۰۲/۹۵۲۰۲۹ نظر به اینکه محکوم علیه نسبت به پرداخت دیونش اقدامی نکرده است حسب تقاضای محکوم له اموالی به شرح ذیل در قبال اصل خواسته و هزینه دادرسی و نیم عشر دولتی توقیف توسط کارشناس رسمی دادگستری به شرح ذیل ارزیابی و مقرر گردیده در تاریخ ۹۷/۲/۳۰ ساعت ۱۱ الی ۱۱:۴۵ صبح در محل مجتمع قضائی اجرای احکام مدنی مشهد واحد مزایده واقع در مشهد بلوار شهید مدرس مدرس ۶ ساختمان اجرای احکام مدنی از طریق مزایده حضوری به فروش برسد مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و به کسانی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند واگذار خواهد شد طالبین به خرید می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر پنج روز قبل از برگزاری مزایده به این اجرا مراجعه تا نسبت به بازدید آنان از اموال مورد مزایده اقدام گردد ضمنا حداقل ۱۰٪ از بهای مورد مزایده نقدا و فی المجلس از برنده و یا ضامن وصول خواهد شد هزینه های تنظیم سند و نقل و انتقال بالمناصفه و بدهی های معوقه به عهده فروشنده و تخلیه تابع مقررات قانونی بوده و از تباطی به این اجرا ندارد. شرح اموال مورد مزایده: ۱- دو سهم مشاع از ده سهم شش دانگ یک باب منزل به شماره پلاک ۲۳۴۳ فرعی از ۱۲ اصلی بخش ۹ مشهد که متعلق به وی می باشد به علت سرقت مفقود گردیده. با بررسی دفتر املاک. معلوم شد دو سهم مشاع از دوازده سهم ششدانگ ذیل شماره ثبت ۴۴۵۲۳۸ صفحه ۲۴۱ دفتر ۲۸۵۳ به نام محمدحسن مونسی ثبت و سند ۸۳۱۵۹۴ صادر گردیده است لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت. مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد. بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م الف ۵۵۹۱
حمیدرضا افشار- ثبت اسناد و املاک ناحیه ۵ مشهد مقدس
۹۷۰۱۸۲۹۳/م

شماره بایگانی شعبه : ۹۶۰۹۱۱
پرونده کلاسه ۹۶۰۹۱۱ شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی امام خمینی شهرستان مشهد (۵۶ حقوقی سابق) تصمیم نهایی شماره خواندگان: ۱- آقای حسین بشیرنژاد فرزند محمد جعفر ۲- خانم سولماز فنیری همگی به نشانی مجهول المکان برابر لایحه ۲۰۷۳۵۷۶ مورخ ۹۶/۱۱/۱۸ - خواسته ها: ۱- مطالبه خسارت تاخیر تادیه ۲- مطالبه وجه چک ۳- مطالبه خسارت دادرسی - رای دادگاه
در خصوص دعوی استان قدس رضوی با وکالت آقای حسین بالفران به طرفیت آقای حسین بشیرنژاد فرزند محمد جعفر و خانم سولماز فنیری به خواسته مطالبه مبلغ پانصد و بیست و دو میلیون ریال موضوع یک فقره چک مستند دعوی به شماره ۳۷۲۹۲۹-۹۶/۳/۱ عهده بانک سینا که سپس طی لایحه شماره ۹۶۴۱۷ خواسته خود را به پرداخت مبلغ ۲۲۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال وجه یک فقره چک دیگر به شماره ۱۸۹۶۲۱- ۹۶/۴/۱۵ افزایش داده با احتساب خسارات تاخیر تادیه و دادرسی، لذا دادگاه دعوی را محمول بر صحت تشخیص و با احراز مدیونیت خوانده و استصحاب بقاء دین مستندا به مواد ۳۱۰ قانون تجارت و ۱۹۸ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون استفساریه تبصره مذکور مصوب مجمع مزبور مورخ ۱۳۷۷/۰۹/۲۱ خواندگان را متضامنا به پرداخت مبلغ پانصد و بیست و دو میلیون ریال وجه چک شماره ۹۶/۳/۱-۳۷۲۹۲۹ بابت اصل خواسته و مبلغ ۱۳/۷۲۸/۰۰۰ ریال حق الوکاله وکیل و مبلغ ۲۷۶/۰۰۰ ریال هزینه دفتر خدمات و خوانده ردیف اول را علاوه بر آن به پرداخت مبلغ سیصد و بیست و دو میلیون ریال وجه چک شماره ۱۸۹۶۲۱-۹۶/۴/۱۵ بابت اصل خواسته و حق الوکاله وکیل برابر تعرفه به مبلغ ۸/۹۲۸/۰۰۰ ریال و هزینه درج آگهی به مبلغ سیصد هزار ریال و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ چک ها تا زمان پرداخت برابر شاخص بانک مرکزی در حق خواهان محکوم می نماید ضمنا با عنایت به معاف بودن خواهان از پرداخت هزینه دادرسی خواندگان متضامنا در اجرای بند ۳ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت محکومند هزینه دادرسی را برابر تعرفه به مبلغ ۱۶/۴۲۰/۰۰۰ ریال و خوانده ردیف اول علاوه بر آن محکوم است مبلغ ۹/۲۷۰/۰۰۰ ریال در حق صندوق دولت پرداخت نماید رای صادره غیابی و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین دادگاه می باشد. م الف ۳۶۲۷- ادیبی از طرف مدیر دفتر شعبه دوم حقوقی مشهد
۹۷۰۱۸۲۸۶/م

آگهی فقدان سند مالکیت
نظر به اینکه آقای ابوالفضل تایب به وکالت از محمدحسن مونسی طی وکالتنامه ۹۶/۸/۱۳-۹۷۹۷۳ دفتر ۲۸ مشهد به استناد ۲ برگ استشهادیه گواهی شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی می باشند سند مالکیت دو سهم مشاع از دوازده سهم ششدانگ اعیان یک باب منزل به شماره پلاک ۲۳۴۳ فرعی از ۱۲ اصلی بخش ۹ مشهد که متعلق به وی می باشد به علت سرقت مفقود گردیده. با بررسی دفتر املاک. معلوم شد دو سهم مشاع از دوازده سهم ششدانگ ذیل شماره ثبت ۴۴۵۲۳۸ صفحه ۲۴۱ دفتر ۲۸۵۳ به نام محمدحسن مونسی ثبت و سند ۸۳۱۵۹۴ صادر گردیده است لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت. مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد. بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م الف ۵۵۹۱
حمیدرضا افشار- ثبت اسناد و املاک ناحیه ۵ مشهد مقدس
۹۷۰۱۸۲۹۳/م

آگهی مزایده اموال منقول و غیرمنقول –به موجب پرونده کلاسه اجرائی صادره از شعبه ۳۵ دادگاه عمومی حقوقی مشهد به شماره بایگانی اجرای احکام ۱۱۰۶/۹۶۰۹۸۳ آقای کامران اکبرپور محکوم است به پرداخت مبلغ ۳۱۱/۳۹۱/۰۹۷ ریال در حق خانم نسرین تقوی ایکوه و نیز مبلغ ۱۳/۲۷۵/۰۰۰ ریال نیم عشر دولتی و همچنین محکوم علیه محکوم است به پرداخت مبلغ ۳۹۵/۰۱۶/۰۰۰ ریال در حق محکوم له بابت کلاسه پرونده اجرائی ۱۱۰۲/۹۵۲۰۲۹ نظر به اینکه محکوم علیه نسبت به پرداخت دیونش اقدامی نکرده است حسب تقاضای محکوم له اموالی به شرح ذیل در قبال اصل خواسته و هزینه دادرسی و نیم عشر دولتی توقیف توسط کارشناس رسمی دادگستری به شرح ذیل ارزیابی و مقرر گردیده در تاریخ ۹۷/۲/۳۰ ساعت ۱۱ الی ۱۱:۴۵ صبح در محل مجتمع قضائی اجرای احکام مدنی مشهد واحد مزایده واقع در مشهد بلوار شهید مدرس مدرس ۶ ساختمان اجرای احکام مدنی از طریق مزایده حضوری به فروش برسد مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و به کسانی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند واگذار خواهد شد طالبین به خرید می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر پنج روز قبل از برگزاری مزایده به این اجرا مراجعه تا نسبت به بازدید آنان از اموال مورد مزایده اقدام گردد ضمنا حداقل ۱۰٪ از بهای مورد مزایده نقدا و ف